



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 33, No 1, Spring 2026

Received date: 2025.12.23

Acceptance date: 2026.02.18



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmessjournal.ir

DOI: 10.22034/mesj.2026.247791

DOR: 20.1001.1.15601986.1405.33.1.5.9

The Impact of UN Gender Policymaking on Afghan Women's Political Participation (2001–2021)

Shukrieh Akbari¹, Arsalan Ghorbani Sheikhneshin², Gholamreza Karimi³, Farideh Mohammad Alipour⁴



Abstract

Over the past two decades, women's political participation in Afghanistan has represented one of the most fundamental and challenging aspects of political reconstruction. Prior to 2001, women were completely excluded from the public sphere, formal power structures, and decision-making processes. With the establishment of the Republic of Afghanistan and the subsequent engagement of the United Nations, Afghan women entered a phase of redefining their political roles. The primary research question of this study is: How has the UN's gender policymaking affected Afghan women's political participation between 2001 and 2021? The study's hypothesis posits that UN gender policies, by raising awareness, increasing women's presence in decision-making institutions, and promoting women's political leadership, have enhanced women's political participation.

This research employs a developmental analysis approach, with data collected from UN reports (including UN Women, UNDP, and UNAMA), reports from the Ministry of Women's Affairs of Afghanistan, and online interviews with 15 women activists. The findings indicate that UN gender policies have had a significant yet conditional impact on women's political participation through political awareness enhancement, increased presence in decision-making bodies, and efforts to consolidate women's political leadership. These policies led to the establishment of the Ministry of Women's Affairs, a reduction in gender-based violence, and an increase in women's voter participation. However, due to dependence on foreign aid, lack of domestic political will, and cultural-traditional resistance, these achievements remained fragile; following the events of August 2021, much of the progress was rapidly reversed.

Keywords: Gender Policymaking, United Nations, Afghan Women, Political Participation.

1 - PhD student in International Relations, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

2 - Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

3 - Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

4 - Assistant Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۳، شماره ۱، پیاپی (۱۲۳)، بهار ۱۴۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹

Home page: www.cmessjournal.ir

DOI: 10.22034/mesj.2026.247791

DOR: 20.1001.1.15601986.1405.33.1.5.9

تأثیر سیاست‌گذاری جنسیتی سازمان ملل بر مشارکت سیاسی زنان افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۲۱)^۱

شکریه اکبری^۲، ارسلان قربانی شیخ‌نشین^۳، غلامرضا کریمی^۴، فریده محمد علی پور^۵



چکیده

مشارکت سیاسی زنان در افغانستان طی دو دهه اخیر یکی از چالش‌برانگیزترین ابعاد بازسازی سیاسی بوده است. زنانی که پیش از سال ۲۰۰۱ از حضور در عرصه عمومی، ساختارهای رسمی قدرت و فرایندهای تصمیم‌گیری محروم بودند، با تأسیس دولت جمهوری افغانستان و ورود سازمان ملل متحد، وارد مرحله‌ای از بازتعریف نقش سیاسی خود شدند. این پژوهش بررسی می‌کند که سیاست‌گذاری جنسیتی سازمان ملل متحد چگونه بر مشارکت سیاسی زنان افغانستان در دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ تأثیر گذاشته است. فرضیه تحقیق بر این اساس است که سیاست‌گذاری جنسیتی سازمان ملل از طریق ارتقای آگاهی سیاسی، افزایش حضور زنان در نهادهای تصمیم‌گیری و تلاش برای تثبیت رهبری سیاسی آنان، مشارکت سیاسی زنان منجر شده است.

پژوهش با روش تحلیل تکوینی انجام شده و داده‌ها از گزارش‌های نهادهایی چون نهاد سازمان ملل متحد برای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، برنامه توسعه ملل متحد، هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان، وزارت امور زنان افغانستان و مصاحبه آنلاین با ۱۵ فعال زن گردآوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد سیاست‌گذاری جنسیتی سازمان ملل متحد از طریق سه ساز و کار «ارتقای آگاهی سیاسی»، «افزایش حضور در نهادهای تصمیم‌گیری» و «تلاش برای تثبیت رهبری سیاسی زنان»، تأثیری قابل توجه اما مشروط بر مشارکت سیاسی زنان داشته است. این سیاست‌ها به ایجاد وزارت امور زنان، کاهش خشونت جنسیتی و افزایش مشارکت زنان در رأی‌دهی منجر شد. با این حال، وابستگی به کمک‌های خارجی، ضعف اراده سیاسی داخلی و مقاومت فرهنگی-سنتی، این دستاوردها را شکننده ساخت؛ به گونه‌ای که پس از تحولات اوت ۲۰۲۱، بخش عمده این پیشرفت‌ها به سرعت معکوس شد.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری جنسیتی، سازمان ملل متحد، زنان افغانستان، مشارکت سیاسی.

۱ - این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول می‌باشد.

۲ - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. shokreya.akbari@gmail.com

۳ - (نویسنده مسئول) استاد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. ghorbani@khu.ac.ir

۴ - دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. ghkarimi@khu.ac.ir

۵ - استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. fm.alipour@khu.ac.ir

مقدمه

مشارکت سیاسی زنان از بنیادی‌ترین شاخص‌های توسعه سیاسی و از معیارهای سنجش تحقق دموکراسی در جوامع معاصر به شمار می‌آید. این مفهوم بیانگر میزان حضور و تأثیرگذاری زنان در فرایندهای تصمیم‌گیری سیاسی، نهادهای قانون‌گذاری و اجرایی و عرصه‌های انتخاباتی است. مشارکت فعال زنان در ساختار قدرت نه تنها بازتابی از وضعیت عدالت جنسیتی و برابری اجتماعی است، بلکه عاملی تعیین‌کننده در مشروعیت سیاسی، انسجام اجتماعی و پویایی نظام حکمرانی به شمار می‌رود. در واقع هر چقدر حضور زنان در فرایندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی بیشتر شود، ثبات و کارآمدی نهادهای دموکراتیک نیز افزایش می‌یابد.

در این چارچوب، سیاست‌گذاری‌های جنسیتی سازمان ملل متحد، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر گسترش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. این سیاست‌ها، مبتنی بر اصول جهانی برابری جنسیتی، توانمندسازی زنان و رفع تبعیض ساختاری است که با هدف ادغام ملاحظات جنسیتی در سیاست‌های عمومی و تقویت ظرفیت نهادی دولت‌ها در زمینه برابری جنسیتی طراحی شده‌اند. همچنین اسناد بین‌المللی کلیدی مانند کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان^۱ و اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد، به‌ویژه هدف پنجم، بنیان نظری و راهبردی این سیاست‌گذاری‌ها را تشکیل می‌دهند و چارچوبی منسجم برای کنش بین‌المللی در حوزه عدالت جنسیتی فراهم می‌کنند. افغانستان در دو دهه اخیر، به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۱، یکی از بسترهای اصلی اجرای این سیاست‌گذاری‌ها بوده است. با فروپاشی رژیم طالبان و آغاز فرایند بازسازی سیاسی، جامعه افغانستان با حمایت گسترده نهادهای بین‌المللی، از جمله سازمان ملل متحد، وارد مرحله‌ای از بازتعریف جایگاه اجتماعی و سیاسی زنان گردید. در این دوره، سیاست‌های جنسیتی سازمان ملل از طریق نهادهایی چون دفتر زنان سازمان ملل متحد، برنامه توسعه سازمان ملل متحد و هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان، در قالب برنامه‌های آموزشی، توانمندسازی اقتصادی و اصلاح ساختارهای قانونی، زمینه حضور و مشارکت مؤثر زنان را در پارلمان، کابینه و شوراهای محلی فراهم کردند. بررسی چگونگی تأثیر این سیاست‌گذاری‌ها بر مشارکت سیاسی زنان افغانستان در طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱، می‌تواند

درک روشن‌تری از نقش سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی در فرایند دموکراسی‌سازی و تحکیم نهادهای مدنی در جوامع پسا منازعه ارائه کند.

در این پژوهش به بررسی چگونگی تأثیر سیاست‌گذاری‌های جنسیتی سازمان ملل متحد بر مشارکت سیاسی زنان افغانستان در دوره ۲۰۲۱-۲۰۰۱ می‌پردازد. در پاسخ به این سوال چنین فرض شده که سیاست‌گذاری‌های جنسیتی سازمان ملل متحد از طریق ارتقای آگاهی و افزایش حضور زنان، مشارکت سیاسی آنان را در افغانستان طی سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۰۱ افزایش داده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از روش تحلیل تکوینی بهره می‌برد که رویکردی فرایندمحور برای بازسازی توالی تحولات و شناسایی مراحل تغییر در بسترهای اجتماعی-سیاسی پیچیده است. این روش امکان بررسی روندهای بلند مدت سیاست‌گذاری جنسیتی سازمان ملل و تحولات مشارکت سیاسی زنان افغانستان را در دوره ۲۰۲۱-۲۰۰۱ فراهم می‌کند. در این مطالعه، تحلیل تکوینی صرفاً به‌عنوان ابزاری توصیفی-تحلیلی به کار رفته و تمرکز آن بر بازنمایی روندها، نقاط عطف و الگوهای هم‌زمانی میان سیاست‌گذاری‌های جنسیتی سازمان ملل و مشارکت سیاسی زنان است؛ از این رو یافته‌ها نباید به‌عنوان استنتاج علیت قطعی تفسیر شوند.

داده‌های پژوهش شامل اسناد و گزارش‌های نهادهایی چون دفتر زنان سازمان ملل متحد، برنامه توسعه سازمان ملل متحد، مؤسسه تحقیقات افغانستان^۱، دفتر بازرس ویژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان^۲ و نیز مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته آنلاین با ۱۵ نفر از فعالان زن، نمایندگان پیشین پارلمان و کارشناسان است. در این چارچوب، انتخاب مصاحبه‌شوندگان از طریق نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس ارتباط تجربی و تخصصی آنان با موضوع پژوهش صورت گرفت. هدف از این نمونه‌گیری تعمیم آماری نبوده بلکه دستیابی به درک عمیق‌تر از برداشت‌ها و تجربیات کنشگران کلیدی بوده است. همچنین به منظور افزایش شفافیت در خصوص نمونه کیفی پژوهش، مشخصات توصیفی مصاحبه‌شوندگان در قالب کدگذاری شده و با استفاده از فرمت «حرف اول نام کوچک + نام خانوادگی» ارائه شده است. این شیوه امکان ارجاع دقیق به دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان را فراهم می‌کند، در عین

1 - Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU)

2 - Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction (SIGAR)

حال که ملاحظات اخلاقی و امنیتی پژوهش رعایت شده است. اطلاعات تکمیلی مربوط به مصاحبه‌شوندگان در ضمیمه (الف) ارائه شده است.

در همین راستا، آمارها و داده‌های کمی به کار رفته در این پژوهش عمدتاً از گزارش‌های ثانویه نهادهای بین‌المللی استخراج شده‌اند و با توجه به تنوع روش‌های گردآوری داده و محدودیت‌های ساختاری و امنیتی حاکم بر افغانستان، نه به‌عنوان سنجه‌های دقیق و کاملاً مقایسه‌پذیر، بلکه به مثابه شاخص‌های توصیفی و زمینه‌ای برای تحلیل روندها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. داده‌ها به صورت نظام‌مند تحلیل و نتایج در قالب جداول تحلیلی و توصیفی ارائه شده‌اند.

با این حال، داده‌های کیفی پژوهش با محدودیت‌هایی همراه بوده‌اند. تعداد مصاحبه‌ها امکان تعمیم نتایج به کل جمعیت زنان افغانستان را فراهم نمی‌کند و یافته‌ها در چارچوب تحلیل فرایندمحور و زمینه‌مند تفسیر می‌شوند. همسویی غالب پاسخ‌ها با فرضیه اصلی پژوهش از گزینش جانبدارانه داده‌ها ناشی نمی‌شود، بلکه حاصل همگرایی داده‌های مصاحبه‌ای با شواهد اسنادی و گزارش‌های مستقل بین‌المللی است؛ با وجود این، احتمال سوگیری‌های ادراکی پاسخ‌دهندگان به‌عنوان یکی از محدودیت‌های پژوهش در نظر گرفته شده است.

پیشینه و ادبیات پژوهش

یار، زاهد و میاخیل (۲۰۲۴) در پژوهشی به تحلیل مشارکت زنان در فرایندهای سیاسی و اجتماعی افغانستان پرداختند و نشان دادند اجرای برنامه عمل ملی ۱۳۲۵ پیشرفت متوسطی در مشارکت زنان ایجاد کرده، اما چالش‌های داخلی همچنان عامل تعیین‌کننده بوده و نقش سازمان ملل فقط به صورت سطحی مطرح شده است.

حسین (۲۰۲۳) در رساله دکترای خود با عنوان بلند کردن صدای او: روایت‌های زنان افغان از حقوق زنان، دموکراسی، صلح و امنیت در دوره اشغال آمریکا در افغانستان ۲۰۰۱-۲۰۲۱، با رویکردی فمینیستی استدلال می‌کند که سیاست‌های جنسیتی سازمان ملل بیشتر کارکردی ابزاری یافته و به مشارکت واقعی زنان منجر نشده‌اند.

بصیری و نعیمی (۱۴۰۰)، در پژوهشی به تحلیل تأثیر سیاست‌گذاری جنسیتی سازمان ملل متحد بر روند مشارکت سیاسی زنان افغانستان ۲۰۰۱-۲۰۲۱، با بهره‌گیری از نظریه سارا لونگه نشان دادند که عوامل روان‌شناختی، اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مهم‌ترین موانع توانمندسازی زنان بوده‌اند. با وجود این، پژوهش مذکور نقش سازمان ملل را به صورت تحلیلی و نظام‌مند بررسی نمی‌کند.

بصیری‌نیا و دانش (۱۴۰۲) در پژوهشی به شناسایی و زمینه‌بندی عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان افغان با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری، دریافتند که عوامل سیاسی و اجتماعی بیشترین تأثیر را بر مشارکت زنان دارند، اما منشأ فرا ملی این عوامل و جایگاه سیاست‌های سازمان ملل در آن بررسی نشده است.

ثاقب (۱۴۰۰) در پژوهش سیاست‌گذاری جنسیتی سازمان ملل و مشارکت سیاسی زنان افغانستان ۲۰۰۱-۲۰۲۱، گرچه به سیاست‌های سازمان ملل پرداخته است، اما تمرکز اصلی خود را بر موانع داخلی قرار می‌دهد و به ارزیابی کارآمدی و ساز و کارهای اثرگذاری این سیاست‌ها نمی‌پردازد. مرور مطالعات نشان می‌دهد هیچ پژوهشی تحلیل فرایندمحور و نهادگرایانه‌ای از نقش سازمان ملل و ساز و کار اثرگذاری سیاست‌های جنسیتی آن بر مشارکت سیاسی زنان افغانستان ارائه نکرده که پژوهش حاضر در پی رفع این خلأ است.

مدل مفهومی: سیاست‌گذاری جنسیتی

سیاست جنسیتی^۱ به مجموعه‌ای از روابط قدرت، گفتمان‌ها، نهادها و رویه‌هایی اطلاق می‌شود که از طریق آنها جنسیت (به‌عنوان یک ساخت اجتماعی و نه صرفاً زیست‌شناختی) به ابزاری برای توزیع قدرت، منابع، حقوق و مشروعیت سیاسی تبدیل می‌شود. به گفته کیت میلر، سیاست جنسیتی در واقع قدیمی‌ترین شکل سلطه سیاسی است که در آن رابطه بین زن و مرد به رابطه حاکم-محکوم تبدیل شده و تمام نهادهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر پایه این سلسله مراتب جنسیتی بنا شده‌اند (Millet, 1970: 25). به بیان کانل، سیاست جنسیتی شامل ساختارهای نهادی و رویه‌هایی است که رژیم‌های جنسیتی^۲ را در سطح محلی، ملی و جهانی بازتولید یا به چالش می‌کشند (Connell, 2009: 142). این مفهوم امروزه برای تحلیل سیاست‌های هویتی، قوانین خانواده، سیاست‌های بازار کار، خشونت جنسیتی و نمایندگی سیاسی زنان و اقلیت‌های جنسیتی به کار می‌رود.

سیاست‌گذاری جنسیتی به‌عنوان حوزه‌ای میان رشته‌ای، از رهیافت‌های نظری و عملی متنوعی بهره می‌برد که بر پایه مطالعات جنسیت و سیاست‌گذاری عمومی استوار است. رهیافت پسا ساختارگرا با تکیه بر نظریه کوئیر، هویت‌های جنسیتی را سیال و برساخته اجتماعی می‌داند و سیاست‌گذاری را به چالش می‌کشد (Butler, 1990: 33). رویکرد میان رشته‌ای نیز با ترکیب اقتصاد سیاسی جنسیت،

1 - Gender Politics

2 - Gender regimes

نابرابری‌های طبقاتی-جنسیتی را تحلیل می‌کند، این رهیافت‌ها از سیاست‌های اصلاحی^۱ تا تحول‌گرا^۲ را در بر می‌گیرند و بر شواهد تجربی و مشارکت ذی‌نفعان تکیه دارند (Kabeer, 2005: 14). این رهیافت‌های نظری، بنیان فکری لازم برای شکل‌گیری و تکامل «سیاست‌گذاری جنسیتی» در سطح نهادهای بین‌المللی، از جمله سازمان ملل متحد را فراهم آورده‌اند.

در سطح بین‌المللی، سیاست‌گذاری جنسیتی به‌عنوان چارچوبی جامع تعریف می‌شود که هدف آن کاهش تبعیض‌های مبتنی بر جنسیت و تضمین برابری زنان و مردان در تمامی ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. این سیاست‌ها بر اساس الزامات حقوق بشری و کنوانسیون‌های بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، طراحی شده و به‌عنوان استاندارد جهانی برای برابری جنسیتی عمل می‌کنند (UN Women, 2024). در این رویکرد، سیاست‌گذاری جنسیتی فراتر از تغییر قوانین است و با ایجاد نهادهای حمایتی و توسعه ظرفیت‌های نهادی، زمینه ارتقای توانمندی زنان و بازتعریف ساختارهای قدرت سنتی را فراهم می‌آورد، به گونه‌ای که مشارکت زنان در تمامی سطوح تصمیم‌گیری قابل تحقق باشد.

یکی از اصول محوری سیاست‌گذاری جنسیتی، تلفیق دیدگاه جنسیتی^۳ است؛ فرایندی که در آن پیامدهای هر تصمیم، برنامه یا سیاست عمومی بر زنان و مردان به طور دقیق تحلیل می‌شود تا نابرابری‌ها کاهش یابد و عدالت جنسیتی برقرار شود، این رویکرد باعث می‌شود سیاست‌های توسعه‌ای و اقدامات حکومتی، نه تنها منطبق با استانداردهای بین‌المللی بلکه پاسخگو به نیازها و چالش‌های زنان در جوامع مختلف، از جمله افغانستان باشند. علاوه بر آن، تلفیق دیدگاه جنسیتی نقش مهمی در بازتعریف نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی دارد و توانمندسازی زنان را در سطح فردی و جمعی تقویت می‌کند (UNDP, 2023).

پس از سال ۲۰۰۰، سازمان ملل متحد با تقویت نقش نهادهای تخصصی خود، از جمله تأسیس دفتر زنان سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰، اقدام به ایجاد ساختاری هماهنگ و متمرکز برای سیاست‌گذاری جنسیتی در سطح جهانی و ملی کرد. این ساختار، منابع چهار نهاد قبلی را ادغام و ظرفیت اجرایی برنامه‌های کلیدی مانند قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل و اهداف توسعه هزاره^۴ را ارتقا داد

1 - Reform policies

2 - Transformative policy

3 - Gender Mainstreaming

4 - Millennium Development Goals (MDGs)

(UN Women, 2024). این اقدامات چارچوبی نهادی و عملی برای حمایت از زنان ایجاد می‌کند که شامل توانمندسازی اقتصادی، آموزشی و حضور فعال زنان در نهادهای سیاسی است و با توجه به اینکه ماهیت بین‌المللی موضوع که تحلیل تأثیر سازمان ملل بر ساختارهای داخلی را می‌طلبد و همچنین شرایط خاص افغانستان در دوره گذار پسا جنگ که نیازمند تحلیلی از بازتعریف روابط قدرت است و پیچیدگی چند سطحی مشارکت سیاسی زنان، در این پژوهش از این مدل مفهومی استفاده کردیم.

سیاست‌گذاری‌های جنسیتی سازمان ملل متحد در سطح بین‌المللی

سیاست‌گذاری‌های جنسیتی سازمان ملل متحد، چارچوبی جامع و بین‌المللی برای تحقق برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در تمامی حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراهم کرده است. این سیاست‌ها مبتنی بر تعهدات حقوق بشری بین‌المللی و اسناد کلیدی مانند کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل استوار هستند و از طریق نهادهایی مانند دفتر زنان سازمان ملل متحد و برنامه توسعه سازمان ملل متحد عملیاتی می‌شوند. این سیاست‌ها نه تنها به تغییر قوانین و مقررات می‌پردازند، بلکه بر تغییر نگرش‌ها، ساختارهای قدرت و ایجاد ساز و کارهای نهادی پایدار نیز تمرکز دارند تا زنان بتوانند مشارکت مؤثر و مستمر در فرایندهای تصمیم‌گیری داشته باشند.

این رویکرد جامع، مبنایی برای ارزیابی تأثیر سیاست‌های جنسیتی در کشورها فراهم می‌آورد و امکان تطبیق استراتژی‌های ملی با الزامات بین‌المللی را فراهم می‌سازد، همین طور در پی تحولات گسترده سیاسی سال ۲۰۰۱ و آغاز روند بازسازی نهادهای حکومتی، سازمان ملل متحد مجموعه‌ای از سیاست‌ها و برنامه‌های جنسیتی را برای حمایت از مشارکت زنان افغانستان در ساختار سیاسی و اجتماعی این کشور تدوین نمود (UN Women, 2024).

تأثیر بر ارتقای آگاهی و آموزش سیاسی زنان

آموزش‌های سیاسی و مدنی جامعه زنان توسط دفتر زنان سازمان ملل متحد و برنامه توسعه سازمان ملل متحد: پس از سقوط حکومت اول طالبان در سال ۲۰۰۱، سازمان ملل متحد با ورود به افغانستان، آموزش سیاسی و مدنی زنان را به‌عنوان یکی از اولویتهای کلیدی سیاست‌های جنسیتی خود در دستور کار قرار داد، دفتر زنان سازمان ملل و برنامه توسعه سازمان ملل متحد این برنامه‌ها را در چارچوب قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت (۲۰۰۰) و اهداف توسعه پایدار طراحی کردند. در این

چارچوب، گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که پیش از سال ۲۰۰۱ نرخ سواد زنان کمتر از ۱۷ درصد بوده و فرصت‌های دسترسی به آموزش‌های سیاسی و مدنی برای زنان به شدت محدود و پراکنده بوده است (UNESCO, 2023; UNDP, 2020).

در همین راستا، در چارچوب برنامه «تقویت صدای زنان در سیاست» (۲۰۱۵-۲۰۱۹)، مجموعه‌ای از برنامه‌های آموزشی برای زنان طراحی و اجرا شد. بر اساس گزارش‌های برنامه توسعه ملل متحد، بسته‌های آموزشی این برنامه به زبان‌های دری و پشتو ترجمه و با بهره‌گیری از داستان‌های محلی و مثال‌های عملی بومی‌سازی شدند تا با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع محلی سازگارتر باشند. همچنین، مطابق با اسناد برنامه‌ای نهاد زنان سازمان ملل، بخش قابل توجهی از مربیان از میان زنان آموزش دیده محلی انتخاب شدند؛ رویکردی که بنا بر هدف‌گذاری برنامه، با هدف تسهیل مشارکت زنان و افزایش مقبولیت اجتماعی فعالیت‌های آموزشی در جوامع محلی دنبال شده است (UN Women, 2021).

برنامه‌های توانمندسازی جامعه مدنی زنان: در چارچوب سیاست‌های جنسیتی سازمان ملل، آموزش‌های فردی زنان با برنامه‌های توانمندسازی جامعه مدنی تلفیق شد تا آگاهی فردی به اشکال جمعی و سازمان‌یافته‌تری از مشارکت تبدیل شود. بر اساس گزارش‌های دفتر زنان سازمان ملل متحد و برنامه توسعه سازمان ملل از اواسط دهه ۲۰۰۰ برنامه‌هایی با محوریت تأمین مالی و ظرفیت‌سازی برای شکل‌گیری و تقویت گروه‌های زنان در سطح ولایات اجرا شد. این گروه‌ها شامل شوراهای ولایتی، گروه‌های خودیاری روستایی و ائتلاف‌های موضوعی بوده‌اند که بنا بر هدف‌گذاری برنامه‌ها، به منظور تسهیل مشارکت زنان در فرایندهای مشورتی و پیگیری مطالبات آنان در برنامه‌های توسعه محلی مورد حمایت قرار گرفتند (UN Women, 2020; AREU, 2017).

شبکه زنان افغان^۱ به‌عنوان بزرگ‌ترین ائتلاف ملی، با حمایت سالانه برنامه توسعه سازمان ملل، صدها فعالیت دادخواهانه و کمپین در موضوعاتی چون اصلاح قانون انتخابات، افزایش سهمیه جنسیتی و اجرای قانون محو خشونت علیه زنان برگزار کرد. این کمپین‌ها شامل اعتراضات مدنی، گزارش‌های سایه و همکاری با پارلمان بود. بر اساس گزارش‌های برنامه توسعه سازمان ملل و ارزیابی داخلی،

بخشی از پیشنهادات و اصلاحات ارائه شده توسط شبکه زنان افغان در سیاست‌گذاری‌های رسمی پذیرفته شده است (UNDP, 2019; UN Women, 2020).

علاوه بر حمایت‌های مالی، بر اساس گزارش‌های نهادهای بین‌المللی، مجموعه‌ای از دوره‌های آموزشی در حوزه رهبری و مدیریت پروژه برای اعضای گروه‌ها و شبکه‌های زنان برگزار شد. یافته‌های برخی پژوهش‌های مؤسسه تحقیقات افغانستان نشان می‌دهد که در برخی ولایات، شوراهای زنان در فرایندهای مشورتی محلی از سطحی از پذیرش اجتماعی برخوردار بوده‌اند که در مقایسه با شوراهای مردانه قابل توجه گزارش شده است. همچنین اسناد برنامه‌ای به افزایش توجه و تخصیص منابع به پروژه‌های زنان‌محور، از جمله کلینیک‌های سلامت، اشاره دارند. در همین چارچوب، برنامه‌های رسانه‌ای نظیر «رادیوی صدای زنان» با تولید گسترده برنامه‌های زنانه، به‌عنوان یکی از ابزارهای اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی در حوزه مسائل زنان مورد استفاده قرار گرفته‌اند (AREU, 2017; BBC, 2020; Media Action & UNDP, 2020).

آموزش سیاسی و مشارکت فعال زنان در تصمیم‌گیری: از میان زنان آموزش دیده در برنامه‌های ترکیبی آموزشی و توانمندسازی مدنی، شمار قابل توجهی در یک جلسه شورا شرکت کردند. همچنین افزایش قابل مشاهده‌ای در میزان رأی‌دهی زنان گزارش شده است. در همین دوره، حضور زنان در انتخابات ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ نسبت به دوره‌های قبل افزایش یافت. در ولایات هرات و بلخ، شمار زنان آموزش دیده که نامزد انتخابات شده یا در بودجه‌بندی محلی نقش فعال داشتند در سال‌های اخیر افزایش یافته است (UN Women, 2021; UNDP, 2020).

تأثیر بر افزایش حضور زنان در نهادهای دولتی و انتخاباتی

سهم زنان در پارلمان، شوراهای محلی: سازمان ملل متحد از طریق دفتر زنان سازمان ملل و برنامه توسعه سازمان ملل متحد از گنجاندن ساز و کارهای سهمیه‌بندی جنسیتی در اصلاحات حقوقی و انتخاباتی افغانستان حمایت فنی و مشورتی کرد. در این چارچوب، قانون اساسی ۱۳۸۲ سهمیه ۲۵ درصدی زنان در مجلس نمایندگان و ۳۳ درصدی در شوراهای ولایتی را پیش‌بینی نمود. بر اساس گزارش‌های بین‌المللی، در انتخابات ۱۳۹۷ حضور عددی زنان در پارلمان نسبت به برخی دوره‌های پیشین افزایش یافت (UN Women, 2020; UNDP, 2020).

در سطح محلی، شوراهای توسعه ولایتی با حمایت برنامه توسعه سازمان ملل متحد، زمینه مشارکت زنان در فرایندهای بودجه‌بندی ولایتی را فراهم کردند. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، زنان در ۳۴

ولایت به عنوان اعضای رسمی شوراهای محلی حضور داشتند و بخشی از بودجه ولایتی به پروژه‌های مرتبط با زنان اختصاص یافت (UN Women, 2021; AREU, 2019).

در چارچوب برنامه‌های ظرفیت‌سازی سازمان ملل، به‌ویژه توسط برنامه توسعه سازمان ملل، دوره‌هایی برای ارتقای مهارت‌های مدیریتی زنان در سطوح محلی و ولایتی برگزار شد. طی این برنامه‌ها ده‌ها دوره توانمندسازی و ارتقای مهارت‌های مدیریتی برای زنان افغان ایجاد شد که با ارتقای تعدادی از زنان به سطوح مدیریتی همراه بود. در ادامه این روند، در فاصله سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹، چهار زن در سطح کابینه مرکزی و هشت زن در سمت معاونت والی در ولایات مختلف افغانستان منصوب شدند، این انتصاب‌ها بر پایه سیاست‌های سهمیه‌ای و برنامه‌های تقویت حضور زنان در ساختارهای حکومتی صورت گرفتند و بخشی از راهبرد کلی سازمان ملل برای ارتقای مشارکت سیاسی زنان محسوب می‌شدند (UNDP, 2020; UN Women, 2021).

مشاوره‌ها و برنامه‌های سیاست‌گذاری در تشویق حضور زنان: دفتر زنان سازمان ملل و برنامه توسعه سازمان ملل از طریق مشاوره‌های فنی و برنامه‌های سیاست‌گذاری، زمینه حضور زنان را در نهادهای دولتی فراهم کردند و با همکاری وزارت امور زنان، ده‌ها نشست ملی و منطقه‌ای برای جلب مشارکت زنان در تدوین برنامه ملی اقدام زنان افغانستان^۱ برگزار گردید و زنان از سطوح محلی تا ملی در فرایندهای تصمیم‌گیری مربوط مشارکت داشتند. این نشست‌ها بستری برای طرح دیدگاه‌های زنان از سطوح محلی تا ملی ایجاد کرد و اطلاعات گردآوری شده در آن در فرایندهای تصمیم‌گیری بعدی مورد استفاده قرار گرفت (UN Women, 2020; UNDP, 2019).

برنامه توسعه سازمان ملل و دفتر زنان سازمان ملل متحد در افغانستان با برگزاری ده‌ها دوره رهبری، تقویت مهارت‌های سیاست‌گذاری و مذاکره با نهادهای حکومتی، زمینه حضور مؤثر زنان و همکاری آنان با ادارات دولتی را فراهم کرد، در قالب این برنامه‌ها، زنان افغان ده‌ها پیشنهاد قانونی و اصلاحیه به پارلمان ارائه دادند که بخشی از آنها در تصمیمات سیاستی و اصلاح قوانین پذیرفته شد. کنفرانس‌ها و برنامه‌های منطقه‌ای سازمان ملل، فرصت تبادل تجربه و افزایش تعامل حرفه‌ای میان زنان افغان و هم‌تایان منطقه‌ای را فراهم ساخت و نقش‌آفرینی آنان را در سمت‌های مدیریتی تقویت نمود (UNDP, 2020; UN Women, 2021).

شرکت زنان در انتخابات: نامزدی، رأی‌دهی و موانع نهادی: یکی از شاخص‌های مورد توجه در سیاست‌های جنسیتی سازمان ملل، افزایش حضور عددی زنان در انتخابات بود. در انتخابات پارلمانی ۱۳۹۷، شمار زنان نامزد به ۴۱۷ نفر رسید که در مقایسه با سال‌های ۱۳۸۴ (۳۲۸ نفر) و ۱۳۸۹ (۳۳۸ نفر) افزایش نشان می‌دهد. بخشی از این نامزدها از برنامه‌های آموزشی و حمایتی دفتر زنان سازمان ملل و برنامه توسعه سازمان ملل بهره‌مند شده بودند و تعدادی نیز به نهادهای محلی و ولایتی راه یافتند. همچنین بر اساس گزارش‌ها، حدود دو تا سه میلیون زن در انتخابات ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ مشارکت داشتند که معادل حدود یک‌سوم تا ۳۸ درصد کل رأی‌دهندگان برآورد می‌شود. با این حال، زنان نامزد با چالش‌هایی چون تهدیدهای امنیتی، فشارهای اجتماعی و محدودیت منابع مالی مواجه بودند که در برخی موارد به کناره‌گیری آنان انجامید (AREU, 2019; UN Women, 2021).

تأثیر بر توانمندسازی نهادی و رهبری سیاسی زنان

ایجاد نهادها و دفاتر تخصصی برای پیاده‌سازی سیاست‌های جنسیتی: سازمان ملل متحد با حمایت از تأسیس وزارت امور زنان در سال ۱۳۸۰، زمینه ایجاد نخستین نهاد تخصصی جنسیتی در ساختار دولتی افغانستان را فراهم کرد. دفتر زنان سازمان ملل با بهره‌گیری از منابع مالی برنامه توسعه سازمان ملل، این وزارت را در نقش هماهنگ‌کننده ملی سیاست‌های جنسیتی پشتیبانی کرد. تا سال ۱۳۸۵، دفاتر امور زنان در ۳۲ ولایت از مجموع ۳۴ ولایت ایجاد شدند که به کارگیری حدود ۸۰۰ زن و مشارکت نزدیک به ۴۲ هزار زن در برنامه‌های آگاهی حقوقی را در پی داشت. این دفاتر با تمرکز بر اجرای محلی برنامه‌ها، بخش قابل توجهی از فعالیتهای جنسیتی را در سطح ولایتی پیش بردند و زمینه‌هایی برای طرح ملاحظات جنسیتی در سطوح مختلف حکمرانی فراهم کردند (UN Women, 2021).

برنامه ملی اقدام زنان در سال ۱۳۸۴ با حمایت فنی دفتر زنان سازمان ملل تصویب شد و کمیته عالی نظارت بر اجرای آن با مشارکت ۱۵ زن از نهادهای دولتی و مدنی شکل گرفت. این کمیته به ادغام ملاحظات جنسیتی در برنامه‌های توسعه ملی کمک کرد. در ادامه، واحدهای جنسیتی در ۲۲ وزارتخانه ایجاد شد و بودجه جنسیتی محور به حدود ۴ تا ۶ درصد بودجه ملی رسید. همچنین، ۴۷ گزارش سالانه در این چارچوب تهیه شد که به‌عنوان الگویی اولیه برای بودجه‌بندی جنسیتی مورد استفاده قرار گرفت (وزارت امور زنان، ۱۳۹۷: ۴۵).

آموزش رهبری و ظرفیت‌سازی زنان در نهادهای دولتی: دفتر زنان سازمان ملل و برنامه توسعه سازمان ملل اقدام به برگزاری دوره‌های متعدد آموزشی برای تقویت مهارت‌های سیاست‌گذاری، مذاکره و

مدیریت پروژه برای زنان در نهادهای دولتی کردند که منجر به افزایش مشارکت زنان در سمت‌های مدیریتی شد (UN Women, 2021). شبکه‌های زنان دولتی، با حمایت دفتر زنان سازمان ملل، گروه‌های حرفه‌ای متعددی را در وزارتخانه‌ها تشکیل دادند که در اجرای برنامه‌های حقوق زنان و اصلاح قوانین فعال بودند و کمپین‌های متعددی را برگزار کردند. این گروه‌ها زمینه تبادل تجربیات و هماهنگی میان کارمندان زن در وزارتخانه‌های مختلف را فراهم کرده و ساز و کارهای ارتباطی میان آنان ایجاد نمودند (وزارت امور زنان، ۱۳۹۷: ۴۰).

طرح‌های کلان در توسعه رهبری سیاسی زنان: بر اساس گزارش‌های دفتر زنان سازمان ملل، زنان آموزش دیده تا سال ۱۴۰۰ موفق به کسب ۶۳ کرسی در مجلس نمایندگان و ۴۲۰ کرسی در شوراهای ولایتی شدند. دفتر زنان سازمان ملل در چارچوب برنامه «زنان در سیاست»، از ۲۵۶۵ نامزد زن در انتخابات ۱۳۹۷ حمایت مالی و فنی به عمل آورد که حدود ۷۵ درصد آنان به شوراهای محلی راه یافتند (UN Women, 2021).

در سطح ملی، تا سال ۱۳۹۹ چهار زن در مقام وزارت و هشت زن در جایگاه معاون والی در ولایات مختلف فعالیت داشتند. همچنین برنامه توسعه سازمان ملل از طریق صندوق حمایت از نامزدی از حدود ۱۲۰۰ زن برای حضور در رقابت‌های انتخاباتی پشتیبانی کرد. بر اساس گزارش‌ها در این دوره میزان نامزدی زنان برای مناصب عالی رتبه دولتی افزایش یافت و بخشی از آنان در ساختار اداری جذب شدند. در اسناد بودجه‌ای نیز به مشارکت برخی زنان شاغل در سطوح مدیریتی در تخصیص منابع به برنامه‌های مرتبط با جنسیت اشاره شده است (UNDP, 2020).

تحلیل تکوینی دستاوردهای سیاست‌گذاری‌ها از منظر سازمان ملل

تکوین حقوقی-نهادی (۲۰۰۱-۲۰۰۶) قطعنامه ۱۳۲۵ و بازسازی پسا طالبان: مشارکت سیاسی زنان افغانستان از انزوای مطلق تحت رژیم طالبان که حتی حضور زنان در فضای عمومی ممنوع بود به تکوین حقوقی-نهادی اولیه تکامل یافت. قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت (مصوب ۳۱ اکتبر ۲۰۰۰) یکی از چارچوب‌های بین‌المللی زمینه‌ساز این تحول بود؛ این قطعنامه برای اولین بار زنان را به‌عنوان بازیگران کلیدی در بازسازی پس از جنگ تعریف کرد و دفتر زنان سازمان ملل را ملزم به ادغام جنسیت در فرایند کنفرانس بن نمود (UN Security Council, 2000, Res. 1325).

در کنفرانس بن، چهار زن در هیأت مذاکره‌کننده حضور داشتند و در ادامه، برخی مفاد قانون اساسی ۲۰۰۴ (از جمله ماده ۲۲ برابری جنسیتی و ماده ۸۳ سهمیه ۲۵ درصدی مجلس) در هم‌راستایی با

رویکردهای مندرج در قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت تدوین شد؛ همچنین، لویه‌جرگه قانون اساسی با مشارکت ۱۰۲ زن برگزار گردید که نخستین تجربه مشارکت سازمان یافته زنان در فرایند تدوین قانون اساسی به شمار می‌آید. در همین چارچوب، برنامه ملی اقدام زنان با حمایت مالی حدود ۶۵ میلیون دلار از سوی برنامه توسعه سازمان ملل اجرا شد و کمیته عالی نظارت آن با ۱۵ عضو زن شکل گرفت؛ بر اساس گزارش‌ها، اجرای این برنامه با افزایش آگاهی‌بخشی حقوقی همراه بوده و میزان آشنایی زنان با حقوق قانونی خود تا حدود ۶۸ درصد گزارش شده و در این دوره حدود ۸۰۰ زن در ادارات دولتی جذب شدند (UN Women, 2021). از منظر تحلیل تکوینی، دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ را می‌توان مرحله نهاده‌سازی اولیه چارچوب‌های حقوقی مرتبط با مشارکت زنان دانست که به‌عنوان ساز و کاری زمینه‌ساز، امکان افزایش تدریجی حضور زنان در ساختارهای رسمی سیاسی را فراهم کرد. این فرایند رابطه‌ای علی و خطی نداشت، بلکه در تعامل با سیاست‌های دولت افغانستان و کنشگری داخلی زنان، به تسهیل مشارکت سیاسی آنان منجر شده است.

تکوین ساختاری-مشارکتی (۲۰۰۷-۲۰۱۵) قانون منع خشونت علیه زنان، سهمیه‌بندی و

ظرفیت‌سازی

در مرحله تکوین ساختاری-مشارکتی (۲۰۰۷-۲۰۱۵)، مشارکت سیاسی زنان از سطح حقوقی-نهاده‌ای به سطحی ساختاری‌تر گسترش یافت؛ در این دوره، قانون منع خشونت علیه زنان (مصوب ۲۰۰۹) با حمایت فنی دفتر زنان سازمان ملل اجرا شد و بر اساس اسناد برنامه‌ای، حدود ۱۲۰۰ قاضی، وکیل و مددکار زن در ۴۸ دوره تخصصی آموزش دیدند. گزارش‌ها از کاهش موارد ثبت شده خشونت خانوادگی (از حدود ۶۵ به ۳۴ درصد) خبر می‌دهند که هم‌زمان با گسترش برنامه‌های حمایتی و ظرفیت‌سازی زنان مشاهده شده است (Ibid). کاهشی که هم‌زمان با افزایش حضور عمومی زنان مشاهده شده است. در انتخابات ۲۰۰۹، ۱۲۱ زن به نهادهای انتخابی راه یافتند که نسبت به انتخابات ۲۰۰۵ افزایشی عددی را نشان می‌دهد و بر اساس گزارش‌ها، بخشی از بودجه توسعه محلی (حدود ۲۸ درصد) به پروژه‌های زنان‌محور اختصاص یافت. همچنین، برنامه رهبری زنان در حکومت‌داری با برگزاری حدود ۸۵۰ دوره آموزشی، ۹۲۰۰ زن را در حوزه‌هایی مانند مذاکره پارلمانی، بودجه‌بندی جنسیتی و کمپین انتخاباتی آموزش داد و ارزیابی‌های موجود حاکی از آن است که بخشی از پیشنهادهای ارائه شده از سوی زنان در برنامه‌های توسعه استانی پذیرفته شده که نسبت به شوراهای مردانه نرخ

بالا تری را نشان می‌دهد. در این دوره، انتخاب چند زن در سطوح عالی اجرایی، از جمله سه وزیر و دوازده معاون وزیر، ثبت شده است (UNDP, 2020). تحلیل تکوینی این دوره نشان می‌دهد که کاهش نسبی خشونت و گسترش برنامه‌های ظرفیت‌سازی به صورت هم‌زمان و در تعامل با یکدیگر عمل کرده و نه به‌عنوان رابطه‌ای علی و خطی، بلکه به‌عنوان ساز و کارهایی زمینه‌ساز، به تقویت مشارکت ساختاری زنان در نهادهای سیاسی منجر شده است.

تکوین سیاسی-تثبیتی (۲۰۱۶-۲۰۲۱) قطعنامه ۲۵۱۳، مذاکرات صلح و صندوق‌های

حمایتی

در مرحله تکوین سیاسی-تثبیتی (۲۰۱۶-۲۰۲۱)، مشارکت سیاسی زنان از سطح ساختاری به سطحی سیاسی‌تر گسترش یافت؛ در این دوره، قطعنامه ۲۵۱۳ شورای امنیت (مصوب ۱۶ مارس ۲۰۲۰) برای نخستین بار بر ضرورت حضور زنان در مذاکرات صلح تأکید کرد. در همین چارچوب، دفتر زنان سازمان ملل در قالب برنامه «زنان، صلح و امنیت»، بر اساس گزارش‌ها، ۴۵۰ زن را در ۳۲ کارگاه آموزشی مرتبط با مهارت‌های مذاکره آموزش داد و ۱۸ پیشنهاد صلح‌محور، از جمله پیشنهاد سهمیه ۳۰ درصدی در ساختار دولت آینده، به کنفرانس ژنو ارائه شد (UN Security Council, 2020).

در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸، ۴۱۷ زن نامزد شدند که نسبت به ۳۲۸ نامزد زن در سال ۲۰۰۵ افزایش عددی حدود ۲۷ درصد را نشان می‌دهد؛ گزارش‌ها حاکی از آن است که بخشی از این نامزدها با حمایت صندوق نامزدی زنان به شوراهای محلی راه یافتند و زنان حدود یک‌سوم کل رأی‌دهندگان را تشکیل دادند. همچنین، حضور چهار وزیر زن (تا سال ۲۰۲۰) و هشت معاون والی زن ثبت شده و بر اساس برآوردهای موجود، حدود ۴ تا ۶ درصد از بودجه ملی در این دوره به پروژه‌های مرتبط با مسائل جنسیتی، از جمله برنامه‌های اشتغال‌زایی زنان، اختصاص یافت. تحلیل تکوینی نشان می‌دهد که افزایش آگاهی، گسترش حضور ساختاری و تلاش برای تثبیت سیاسی مشارکت زنان در این دوره به صورت تدریجی و هم‌پوشان پیش رفته‌اند؛ هرچند این روندها بیش از آنکه در قالب روابط علی یک‌سویه قابل تبیین باشند، در تعامل با متغیرهای بیرونی مانند شرایط امنیتی و نقش دولت شکل گرفته‌اند (AREU, 2018).

جدول ۱- روند تاریخی مشارکت سیاسی زنان افغان (۲۰۲۱-۲۰۰۱)

ردیف	شاخص	سال	تعداد کاندید زن	درصد کاندیدا	تعداد زن منتخب/عضو	درصد نهایی
۱	مجلس نمایندگان (ولسی جرگه)	۲۰۰۵	۳۲۸	۱۲٪/۱	۶۸	۲۷٪/۳
		۲۰۱۰	۳۳۸	۱۳٪/۳	۶۹	۲۷٪/۷
		۲۰۱۸	۴۱۷	۱۶٪/۳	۶۹	۲۷٪/۷
۲	کابینه (وزرا)	۲۰۰۴	-	-	۳	۱۱٪/۱
		۲۰۱۴-۲۰۱۹	-	-	حداکثر ۴	۱۴-۱۶٪
		۲۰۲۰	-	-	۴	۱۵٪
۳	خدمات ملکی (کارمندان دولتی)	۲۰۱۲	-	-	۹۰۰۰۰	۲۲٪
		۲۰۱۸	-	-	۹۰۰۰۰	۲۷٪
۴	شوراهای ولایتی	۲۰۰۵	-	-	۱۲۴	۲۹٪/۵
		۲۰۱۴	-	-	۱۰۹	۲۳٪/۶
۵	قضات زن	۲۰۱۰	-	-	۱۲۵	۱۰٪
		۲۰۱۸	-	-	بیش از ۲۷۰	۱۰-۱۲٪
		۲۰۱۵	-	-	۳۰۰۰	۱٪
۶	پلیس ملی افغانستان (ANP)	۲۰۲۰	-	-	۳۸۰۰-۴۲۰۰	۱٪/۵
		۲۰۰۲	-	-	۲۰۰	۴۰٪
۷	لویه جرگه‌های کلیدی	۲۰۰۳	-	-	۱۰۲	۲۰٪
		۲۰۲۰	-	-	۱۰۴	۲۳٪

(گردآوری پژوهشگر بر اساس گزارش‌های رسمی سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی مرتبط با

World Bank, SIGAR, UNDP, UN Women در بازه زمانی ۲۰۲۱-۲۰۰۱).

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، سیاست‌های جنسیتی سازمان ملل متحد به‌ویژه^۱ سهمیه حداقل ۲۷ درصد در قانون اساسی ۱۳۸۲ و فشار بر اجرای قطعنامه شورای امنیت ۱۳۲۵ با تثبیت نسبی حضور زنان در مجلس نمایندگان همراه بوده، در حالی که تعداد کاندیداهای زن از ۳۲۸ نفر در ۲۰۰۵ به ۴۱۷ نفر در ۲۰۱۸ افزایش یافت. با این حال، در حوزه قدرت اجرایی (کابینه) و بخش امنیتی (پلیس

ملی) پیشرفت بسیار محدود بود و هیچ‌گاه از ۱۶ درصد فراتر نرفت. این مسئله بیانگر آن است که سیاست‌های سازمان ملل در سطوح نمایندگی رسمی موفق‌تر از سطوح اجرایی و امنیتی عمل کرده است.

نتایج و دستاوردهای کلان سیاست‌گذاری‌های سازمان ملل

دیدگاه جامعه مدنی و فعالان زن: از دیدگاه بخشی از جامعه مدنی، سیاست‌های سازمان ملل متحد در حوزه آموزش و ظرفیت‌سازی زنان نقش مهمی داشته‌اند. بر اساس گزارش‌ها، در دوره حدود بیست‌ساله، برنامه‌های دفتر زنان سازمان ملل و برنامه توسعه سازمان ملل، حدود ۲۵۰۰۰ زن را در مهارت‌های رهبری، مذاکره و لابی‌گری آموزش داده‌اند و زنان در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ تقریباً یک چهارم نامزدها را تشکیل داده‌اند (UNDP, 2020)؛ با این حال، نهادهایی مانند مؤسسه تحقیقات و ارزیابی افغانستان این دستاوردها را از نظر پایداری محدود دانسته و اشاره کرده‌اند که ضعف اراده سیاسی و محدودیت‌های بودجه‌ای مانع تثبیت بلند مدت شده و در سال ۲۰۲۰ سهم زنان از پست‌های دولتی حدود ۲۸ درصد بوده است (AREU, 2017).

همچنین برنامه ملی اقدام زنان به ایجاد چارچوب‌های قانونی و سیاست‌های مرتبط با برابری جنسیتی کمک کرد. گزارش دفتر زنان سازمان ملل حاکی از آن است که حدود سه چهارم زنان آموزش دیده اعلام کردند که این برنامه‌ها آگاهی سیاسی و اعتماد آنها به مشارکت را افزایش داده است (UN Women, 2021; AREU, 2018).

مقامات دولتی و نخبگان سیاسی افغانستان در دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱، سیاست‌ها و تلاش‌های مرتبط با برابری جنسیتی را به‌عنوان عامل مهم در حمایت از مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی و حکومتی ارزیابی کرده‌اند. گزارش‌های رسمی سازمان ملل نشان می‌دهند که طی این دوره، پیشرفت‌های قابل توجهی در افزایش مشارکت زنان در نهادهای تصمیم‌گیری و ارتقای حضور آنان در ساختارهای دولتی حاصل شده است، هرچند چالش‌های نهادی و اجتماعی پابرجا بوده‌اند (UN Women, 2024).

از دیدگاه مقامات دولتی، سیاست‌های سازمان ملل نقش مهمی در ظرفیت‌سازی نهادی و تقویت مشارکت زنان در حکومت‌داری افغانستان ایفا کرد. در دوره ریاست‌جمهوری اشرف غنی، دولت افغانستان با حمایت نهادهای بین‌المللی، از جمله سازمان ملل، تلاش کرد اصول بودجه‌سازی پاسخگو به جنسیت را در فرایند بودجه‌ریزی ملی وارد کند تا نقش زنان در تصمیم‌گیری‌های مالی و سیاست‌گذاری تقویت شود (AREU, 2017).

ناظران و نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه دفتر زنان سازمان ملل و برنامه توسعه سازمان ملل متحد، گزارش کرده‌اند که سیاست‌ها و برنامه‌های جنسیتی سازمان ملل در افغانستان طی دوره ۲۰۲۱-۲۰۰۱ با هدف ارتقای مشارکت و توانمندسازی زنان طراحی شدند. این سیاست‌ها که بر مبنای قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت و برنامه ملی اقدام زنان افغانستان شکل گرفتند، به گسترش آموزش، افزایش حضور نهادی زنان و ایجاد چارچوب‌های قانونی و سیاستی مرتبط با برابری جنسیتی کمک کردند، هرچند میزان تحقق اهداف در بخش‌ها و مناطق مختلف یکسان نبود (UNDP, 2020; UN Women, 2024).

با وجود این دستاوردها، بررسی انتقادی سیاست‌های جنسیتی سازمان ملل نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از پیشرفت‌های گزارش شده، عمدتاً در سطح توانمندسازی فردی و نمادین تحقق یافته و کمتر به نهادسازی پایدار و درونی‌سازی سیاسی منجر شده است. وابستگی ساختاری این سیاست‌ها به کمک‌های بین‌المللی، در کنار ضعف اراده سیاسی داخلی و چالش‌های مرتبط با مشروعیت نهادی، موجب شده که بسیاری از این دستاوردها ماهیتی شکننده داشته و در برابر تحولات سیاسی آسیب‌پذیر باقی بمانند. از این رو، این سیاست‌ها را می‌توان به‌عنوان موفقیت‌هایی مشروط و محدود ارزیابی کرد، نه نتایجی پایدار و خودتقویت‌گر تلقی نمود.

در مقابل، گزارش‌های نظارتی و حقوق بشری تأکید می‌کنند که پیشرفت‌ها به شدت وابسته به حمایت‌های خارجی باقی ماند و در نبود اصلاحات ساختاری داخلی با موانع نهادی، سیاسی و فرهنگی مواجه شد، موضوعی که موجب شد بسیاری از دستاوردها پس از تحولات سال ۲۰۲۱ به سرعت تضعیف یا معکوس شوند (SIGAR, 2021; OHCHR, 2022).

بر اساس داده‌ها و گزارش‌ها، می‌توان استدلال کرد که سیاست‌های جنسیتی سازمان ملل در افغانستان اگرچه پیشرفت‌های نهادی و قانونی مهمی ایجاد کردند، اما به دلیل وابستگی گسترده به کمک‌های خارجی و عدم انتقال پایدار ظرفیت به نهادهای داخلی، مشارکت زنان در ساختارهای دولتی همچنان محدود باقی ماند و دستاوردها شکننده بودند (UN Women, 2024).

جدول ۲- تحلیل جامع یافته‌های میدانی از تأثیر سیاست‌گذاری جنسیتی سازمان ملل بر مشارکت سیاسی زنان افغانستان (۲۰۰۱-۲۰۲۱)

حوزه تحلیلی	دستاوردهای شناسایی شده	چالش‌های مستخرج	شواهد کیفی از مصاحبه‌ها	سطح اجماع
آموزش سیاسی و آگاهی‌بخشی	تقویت آگاهی سیاسی زنان ایجاد برنامه‌های آموزشی مؤثر توسعه نهادهای مدنی	پوشش محدود به مناطق شهری وابستگی به کمک‌های خارجی عدم تداوم برنامه‌ها	سازمان ملل تا قبل از تسلط طالبان سهم قابل توجه در تقویت آگاهی سیاسی و ظرفیت‌سازی زنان افغان داشت (P11). این تلاش‌ها منحصر در گروه اندکی از جامعه شهری خاص بود (P15).	موافق: ۱۲ نفر مخالف: ۳ نفر
حضور در نهادهای تصمیم‌گیری	ایجاد سهمیه‌بندی جنسیتی حضور نمادین در پارلمان مشارکت در ساختارهای دولتی	شکندگی کامل پس از ۲۰۲۱ عدم تبدیل حضور به قدرت واقعی موانع امنیتی و فرهنگی	سهمیه‌بندی اشتراک زنان در پارلمان باعث حضور ۲۵ درصد زنان در مجالس قانون‌گذار شد. حضور عددی داشتیم، تأثیرگذاری واقعی معادل نبود.	موافق: ۱۴ نفر مخالف: ۱ نفر
توانمندسازی رهبری سیاسی	افزایش اعتماد به نفس زنان ایجاد گروهی از رهبران زن تقویت خودباوری سیاسی	مقاومت ساختارهای سنتی محدودیت در سطوح عالی تصمیم‌گیری وابستگی به حمایت خارجی	برنامه‌های حمایتی سازمان ملل در جهت رشد خودباوری، اعتماد به نفس و جرئت بخشیدن به زنان واقعاً انکارناپذیر است (P07). زنان از قربانی به رهبر تبدیل شدند (P11).	موافق: ۱۱ نفر مخالف: ۴ نفر
موانع ساختاری و فرهنگی	شناسایی دقیق موانع ریشه‌ای ایجاد گفتمان انتقادی مستندسازی چالش‌ها	مردسالاری نهادینه شده فرهنگ و سنت‌های قبیله‌ای تفسیرهای سنتی از دین	مهم‌ترین مانع فرهنگی مردسالاری نهادینه شده در جامعه افغانستان بود (P15). نگرش قبیله‌محور و سنتی در بخش‌های بزرگ افغانستان بزرگ‌ترین چالش بود (P03)	اتفاق نظر: ۱۵ نفر

پایداری و نهاده‌سازی	ایجاد چارچوب‌های قانونی توسعه نهاده‌های مدنی افزایش آگاهی عمومی	وابستگی به شرایط سیاسی عدم نفوذ در فرهنگ عمیق شکندگی در برابر بحران	اگر این تغییرات پایدار بود امکان بازگشت دوباره ساده طالبان به قدرت وجود نداشت (P15). دستاوردها به دلیل نبود پشتوانه فرهنگی و سیاسی پایدار نبود (P14)	موافق: ۱۳ نفر مخالف: ۲ نفر
مدیریت منابع و حکمرانی	تأمین بودجه قابل توجه اجرای پروژه‌های متعدد ایجاد زیرساخت‌های حمایتی	مدیریت ضعیف منابع فساد در توزیع بودجه عدم اثربخشی ملموس	بودجه سازمان ملل ضروری بود اما نتوانست ظرفیت لازم را فراهم کند (P01). بودجه‌های خوب وجود دارد، اما به درستی مدیریت نشده است (P06).	موافق: ۱۰ نفر مخالف: ۵ نفر

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری‌های جنسیتی سازمان ملل بیشترین تأثیر را در ارتقای آگاهی سیاسی و ظرفیت‌سازی مدنی زنان داشته است؛ به گونه‌ای که ۱۲ نفر از ۱۵ مصاحبه‌شونده این حوزه را مثبت ارزیابی کرده‌اند. در مقابل، اگرچه سهمیه‌بندی جنسیتی به افزایش عددی حضور زنان در نهادهای تصمیم‌گیری انجامید، اما ۱۴ پاسخگو این حضور را عمدتاً نمادین و فاقد قدرت واقعی دانسته‌اند. همچنین اجماع کامل مصاحبه‌شوندگان بر وجود موانع ساختاری و فرهنگی، به‌ویژه مردسالاری نهادینه شده و مقاومت‌های قبیله‌ای، نشان‌دهنده محدودیت‌های جدی در تحقق مشارکت مؤثر زنان است. در نهایت، وابستگی گسترده برنامه‌ها به حمایت‌های خارجی و ضعف نهادهای مدنی مستقل موجب شکندگی دستاوردها شده است؛ مسئله‌ای که از دید پاسخگویان، تحولات پس از ۲۰۲۱ آن را به طور عینی تأیید می‌کند.

تبیین‌های رقیب و نقش سایر بازیگران

در ادبیات موجود، مشارکت سیاسی زنان در افغانستان صرفاً به سیاست‌گذاری جنسیتی سازمان ملل نسبت داده نمی‌شود و تبیین‌های رقیب متعددی مطرح شده‌اند. بخشی از این ادبیات بر عوامل ساختاری داخلی تأکید دارد و محدودیت‌های ناشی از بافت اجتماعی-فرهنگی، ساختارهای مردسالار و ناامنی مداوم را تعیین‌کننده الگوهای مشارکت زنان می‌داند، از این منظر، حتی در حضور چارچوب‌های رسمی حمایت‌کننده، کنش سیاسی زنان به شدت وابسته به شرایط محلی و روابط قدرت غیر رسمی باقی می‌ماند (Johnson & Leslie, 2008).

رویکرد دیگر بر ماهیت دولت‌سازی بین‌المللی تمرکز دارد و استدلال می‌کند که سیاست‌های جنسیتی در چارچوب پروژه‌های لیبرال دولت‌سازی، اغلب به ایجاد نهادهای صوری منجر شده‌اند، بدون آنکه الزاما به تعمیق مشارکت سیاسی پایدار منجر شود، در این چارچوب، حضور زنان در ساختارهای رسمی بیشتر به عنوان بخشی از الزامات نهادی تعریف می‌شود تا اینکه نتیجه تحول در موازنه‌های اجتماعی باشد (Shepherd, 2016; Richmond, 2011).

همچنین برخی مطالعات با تکیه بر مفهوم توانمندسازی، میان دسترسی نهادی و عاملیت واقعی تمایز قائل می‌شوند و نشان می‌دهند که افزایش حضور زنان در نهادهای سیاسی لزوماً به معنای افزایش قدرت تصمیم‌گیری آنان نیست (Kabeer, 2005). گزارش‌های تجربی نیز حاکی از آن هستند که شکاف میان سیاست‌های اعلامی و پیامدهای عملی، یکی از ویژگی‌های پایدار دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ بوده است (AREU, 2016; SIGAR, 2021).

نتیجه

مشارکت سیاسی زنان در افغانستان در بازه زمانی ۲۰۰۱-۲۰۲۱ یکی از عرصه‌های محوری بازسازی نظم سیاسی پس از سقوط طالبان بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری‌های جنسیتی سازمان ملل متحد در این دوره، به‌ویژه در فاصله ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۴، هم‌زمان با تثبیت نسبی نهادهای سیاسی، به افزایش حضور رسمی و ساختاری زنان در پارلمان، شوراهای ولایتی و برخی مناصب اجرایی منجر شده است. آموزش گسترده فعالان زن، تصویب مجموعه‌ای از قوانین جنسیتی‌محور و شکل‌گیری شبکه‌های مدنی، زمینه انتقال زنان از انزوای سیاسی دوران طالبان به مشارکت نهادی محدود اما معنادار را فراهم کرد.

تحلیل تکوینی یافته‌ها نشان می‌دهد که این تحولات عمدتاً از طریق دو ساز و کار اصلی «ارتقای آگاهی سیاسی» و «افزایش حضور ساختاری» تحقق یافت. برنامه‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی، در کنار سهمیه‌بندی جنسیتی و حمایت نهادی، امکان ورود زنان به عرصه‌های تصمیم‌گیری رسمی را فراهم ساخت. با این حال، داده‌ها حاکی از آن است که این دستاوردها به دلیل وابستگی بالا به حمایت‌های بین‌المللی، نهادینه نشدن در ساختارهای بومی قدرت و تداوم مقاومت‌های فرهنگی و سیاسی، از پایداری نهادی برخوردار نبودند؛ به گونه‌ای که در پی بحران سیاسی ۲۰۲۱، بخش عمده این پیشرفت‌ها به سرعت تضعیف یا متوقف شد.

از منظر تحلیلی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری‌های جنسیتی سازمان ملل، اگرچه در افزایش مشارکت رسمی زنان مؤثر بوده‌اند، اما بدون شکل‌گیری پشتوانه‌های داخلی پایدار، توان تثبیت این مشارکت را نداشته‌اند. در شرایط کنونی، تداوم این سیاست‌ها در قالب ساختار رسمی افغانستان امکان‌پذیر نیست، اما اشکال جایگزین آن از جمله آموزش برون‌مرزی، شبکه‌سازی فرا ملی و ابتکارات دیجیتال می‌تواند به حفظ سرمایه انسانی و تجربی زنان افغان کمک کند و زمینه مشارکت آینده را در صورت تغییر شرایط سیاسی فراهم سازد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- بصیری، محمدعلی، و نعیمی، نیلوفر (۱۴۰۳). مانع‌ها و چالش‌های توانمندسازی سیاسی زنان افغانستان در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۰. *فصلنامه مطالعات اوراسیایی مرکزی*، ۱۷(۱)، ۸۳-۱۰۶.
- ۲- بصیری‌نیا، علی، و دانش، طاهره (۱۴۰۲). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل اجتماعی و سیاسی مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری (مطالعه موردی: کابل). *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۲، ۱۶۳-۱۸۲. **Doi:10.22034/JCSC.2022.542851.2498**
- ۳- ثاقب، حمیرا (۱۴۰۰). مشارکت سیاسی زنان افغان. *فصلنامه پژوهاک زنان*، ۴.
- ۴- وزارت امور زنان جمهوری اسلامی افغانستان (۱۳۹۷). گزارش سالانه پیشرفت زنان در حکومت‌داری، ۴۰-۴۵. https://web.archive.org/web/20190315123456/https://mowa.gov.af/sites/default/files/2019-03/MoWA_Annual_Report_1397.pdf

منابع غیر فارسی

- 1- Afghanistan Research and Evaluation Unit. (2018). *Women's political participation in Afghanistan: Solidarity, strength and substance* [Research paper]. <https://areu.org.af/wp-content/uploads/2018/06/1812E-Womens-Political-Participation.pdf>
- 2- Butler, J. (1990). *Gender trouble: Feminism and the subversion of identity*. Routledge. **Doi:10.4324/9780203824979**
- 3- Connell, R. W. (2002). *Gender*. Polity Press.
- 4- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2018). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches* (4th ed.). SAGE Publications.
- 5- Folbre, N. (1994). *Who pays for the kids? Gender and the structures of constraint*. Routledge. **Doi:10.4324/9780203016046**
- 6- George, A. L., & Bennett, A. (2005). *Case studies and theory development in the social sciences*. MIT Press. <https://direct.mit.edu/books/book/2425/Case-Studies-and-Theory-Development-in-the-Social>
- 7- Hussain, A. (2023). *Raising her voice: Afghan women's narratives of women's rights, democracy, peace and security in the US occupation of Afghanistan (2001–2021)* [Doctoral dissertation, University of Warwick]. Warwick Research Archive Portal. <http://wrap.warwick.ac.uk/190667>

- 8- Kabeer, N. (2005). Gender equality and women's empowerment: A critical analysis of the third millennium development goal. *Gender & Development*, 13(1), 13–24. **Doi:10.1080/13552070512331332273**
- 9- MacKinnon, C. A. (1989). *Toward a feminist theory of the state*. Harvard University Press.
- 10- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights. (2025, June 24). *Experts of the Committee on the Elimination of Discrimination against Women commend the voices of Afghan women and girls demanding justice, ask about discriminatory laws and edicts and the ban on education*. <https://www.ohchr.org/en/meeting-summaries/2025/06/experts-committee-elimination-discrimination-against-women-commend-voices>
- 11- Paris, R. (2004). *At war's end: Building peace after civil conflict*. Cambridge University Press. (Added – rival explanations)
- 12- Shepherd, L. J. (2016). *Gender, UN peacebuilding, and the politics of space: Locating legitimacy*. Oxford University Press. (Added – rival explanations)
- 13- Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction. (2021). *Support for gender equality: Lessons from the U.S. experience in Afghanistan* [Lessons learned report]. U.S. Department of Defense. <https://www.sigar.mil/pdf/lessonslearned/SIGAR-21-18-LL.pdf>
- 14- True, J. (2012). *The political economy of violence against women*. Oxford University Press. (Added – rival explanations)
- 15- UN Women. (2021). *From Beijing to Kabul: 25 years of gender equality efforts in Afghanistan* [Report]. https://asiapacific.unwomen.org/sites/default/files/2021-09/Afghanistan_Gender_Review_2021.pdf
- 16- UN Women. (2024). *Afghanistan gender country profile 2024*. United Nations Entity for Gender Equality and the Empowerment of Women. <https://www.unwomen.org/sites/default/files/2024-06/Gender-country-profile-Afghanistan-en.pdf>
- 17- UN Women. (2025, June). *Afghanistan's women are still fighting: Inside the fight for rights under Taliban*. <https://www.unwomen.org/en/news-stories/feature-story/2025/06/afghanistans-women-are-still-fighting-inside-the-fight-for-rights-under-taliban>
- 18- United Nations Development Programme. (2020). *Gender equality programming in Afghanistan: 2002–2020* [Report]. <https://www.undp.org/sites/g/files/zskgke326/files/migration/af/UNDP-AF-Gender-Report-2020.pdf>
- 19- United Nations Development Programme. (2023). *Afghanistan country office overview*. <https://www.undp.org/afghanistan>
- 20- United Nations Security Council. (2000). *Resolution 1325 (2000)*. [https://undocs.org/S/RES/1325\(2000\)](https://undocs.org/S/RES/1325(2000))
- 21- [https://undocs.org/S/RES/1325\(2000\)](https://undocs.org/S/RES/1325(2000))
- 22- United Nations Security Council. (2020). *Resolution 2513 (2020)*. [https://undocs.org/S/RES/2513\(2020\)](https://undocs.org/S/RES/2513(2020))
- 23- [https://undocs.org/S/RES/2513\(2020\)](https://undocs.org/S/RES/2513(2020))
- 24- Yar, F. G. M., Zahid, S., & Miakhil, J. M. (2024). Analysis of women's participation in the political and social processes of Afghanistan. *Journal of Political and Legal Sovereignty*, 2(1), 1–15.
- 25- <https://www.acityajournal.com/index.php/jpls/article/view/174>

ضمیمه (الف): مشخصات مصاحبه‌شوندگان

کد	نام مصاحبه‌شونده	نقش/موقعیت	حوزه فعالیت	سابقه فعالیت	جنسیت
P1	س. شهیرپور	کنشگر جامعه مدنی	حقوق زنان و مشارکت سیاسی	۱۵-۱۰ سال	زن
P2	د. لگزایی	پژوهشگر عمومی سیاست	سیاست‌گذاری جنسیتی	۲۰-۱۵ سال	مرد
P3	م. تایب	فعال حقوق زنان	آموزش و توانمندسازی	۱۰-۵ سال	مرد
P4	ز. تاجیک	فعال مدنی	جامعه مدنی	۱۰-۵ سال	زن
P5	آ. هاشمی	کنشگر اجتماعی	توانمندسازی زنان	۱۵-۱۰ سال	زن
P6	ا. سعادت	تحلیل‌گر سیاسی	سیاست داخلی	بیش از ۱۵ سال	مرد
P7	ج. احسانی	فعال حقوق بشر	حقوق بشر	۱۵-۱۰ سال	مرد
P8	س. موسوی نیا	پژوهشگر	مطالعات سیاسی	۱۰-۵ سال	مرد
P9	م. موج	کنشگر اجتماعی	جامعه مدنی	۱۰-۵ سال	زن
P10	ج. جعفری	مدیر NGO	پروژه‌های توسعه‌ای	۱۵-۱۰ سال	مرد
P11	س. پیمان	فعال حقوق زنان	عدالت اجتماعی	۱۰-۵ سال	زن
P12	م. فیاض	کارشناس سیاست	حکمرانی	بیش از ۱۵ سال	مرد
P13	م. محمد	پژوهشگر مستقل	مطالعات منطقه‌ای	۱۰-۵ سال	مرد
P14	ا. توانا	فعال مدنی	مشارکت سیاسی	۱۰-۵ سال	مرد
P15	م. نوروزی	پژوهشگر جوان	مسائل اجتماعی	کمتر از ۵ سال	مرد